

فروش حضوری «بازار کتاب» از ۱۱ تا ۲۲ بهمن

کتابفروشی‌های عضو سامانه بازار کتاب به‌مناسبت چهل و پنجمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی همزمان با فروش مجازی، فروش حضوری نیز دارند. کتابفروشان می‌توانند تا ۲۰ درصد اعتبار خود را به‌صورت حضوری مصرف کنند. برای فروش در این طرح، کتابفروشان باید در سامانه «بازار کتاب» و سامانه «بست کتاب» عضو باشند و کتاب‌های موجود خود را بازرگاری کنند. کتاب‌های عمومی، دانشگاهی

و کودک و نوجوان مشمول یارانه کتاب می‌شوند و کتاب‌های آموزشی، کمک‌آموزشی، افست، فاقد شماره شایک، دارای شماره شایک غلط و کتاب‌هایی که در بانک اطلاعاتی خانه کتاب و ادبیات ایران ثبت نشده، مشمول این یارانه نخواهند شد. به خریداران در هر نقطه از کشور برای خرید حضوری یا غیرحضوری از کتابفروشی‌های سراسر کشور به مناسبت ایام مبارک دهه فجر، تا سقف خرید ۴۰۰ هزار تومان ۲۵ درصد یارانه

گفت‌وگوی «جام جم» با اعظم عظیمی، برگزیده بخش رمان جایزه جلال آل احمد

تلفیق طلبگی و نویسندگی



ارش شفاعی گروه فرهنگ‌و هنر

«غمسوزی» رمانی است نوشته اعظم عظیمی که در جایزه ادبی جلال‌آل‌احمد امسال توانست به عنوان اثر برگزیده انتخاب شود. داستان این کتاب، سرگذشت سرگردانی پسر جوانی به نام «فرحان» است که با این‌که در سطوح تحصیل و تدریس می‌کند، در حیرت است و مشکلات در حیطه‌های مختلف بر زندگی او سایه انداخته است. بدون این‌که قصد لو دادن داستان اثر را برای خوانندگان داشته باشیم، سعی کردیم با نویسنده درباره کتابش و چگونگی شکل‌گیری آن صحبت کنیم که البته پیشینه تحصیلی او در علوم حوزوی و فلسفه، در جاهایی بحث را به سمت درنگ درباره مفهوم برخی کلمات هم کشاند. این مصاحبه را بخوانید با این توضیح که اگر به رمانی با شخصیت‌های ویژه و دیالوگ‌های خوب و برجسته علاقه دارید و قصدتان از خواندن داستان فقط سرگرمی نیست و می‌خواهید همچنان لذت رمان خواندن را ببرید و ذهن‌تان درگیر چالش‌هایی اساسی و سوالاتی مهم درباره زندگی، هستی و نسبت انسان و خدا شود، «غمسوزی» را از دست ندهید.

آیة ایده دوبرادر از ابتدا در داستان بود یا بعداً اضافه شد؟ یا توجه به این‌که این‌سوزه از هایلند و قایل تادادیات معاصر مانند داستان کوتاه «مزارح» نوشته خورخه لوئیس بورخس، نویسنده مشهور آمریکایی لاتین، بارها تکرار شده است و امکان داشت این ایده آشنا به کتاب لطمه بزند؟

در ایده اصلی که در ذهنم شکل گرفته بود، دوشخصیت اصلی خانم بودند اما کم‌کم که قرار شد داستان نوشته شود، به این نتیجه رسیدم که باید دو شخصیت آقا باشند تا بر شدت و حدت بحران در داستان بیفزایند. البته داستان بورخس هم اگر اشنای به داستان هایلند و قایل است و من یا هر نویسنده دیگری می‌تواند از اسطوره‌ها در داستان‌ش وام بگیرد. منتها هرکسی با توجه به خلایق و نگاه ویژه‌ای که دارد، از آن اسطوره استفاده می‌کند و حتی یکی مثل من اسطوره را تغییر می‌دهد.

شخصیت اصلی کتاب و راوی آن، یک مرد است اما در رمان، صدای زنان بسیار طنین دارد و شخصیت‌های زن مانند مادر و نیز زن برادر راوی (فریده) تزلزل کمتری در شخصیت خود دارند. تعدمی داشته‌اید که این شخصیت‌های زن این قدر خاص از کار در بیایند؟

نه، واقعا تعدمی نداشته‌ام و حالا می‌بینم می‌شود به داستان از این منظر هم نگاه کرد. اما مساله اصلی داستان، حول و حوش شخصیت اصلی است و اوست که آرزو، هدف و در عین حال مانع دارد. پس ضعف‌های او بیشتر دیده می‌شود. از قضا در داستان من این شخصیت اصلی یک مرد است و شاید همین، دوگانه‌ای در ذهن شما ساخته باشد که چرا این مرد این قدر ضعیف و مشکل دارد و از سوی دیگر خانم‌ها که شخصیت‌های فرعی هستند، این گونه نیستند. شاید اگر داستان روی آنها هم تمرکز می‌کرد می‌شد ضعف‌هایی هم برای‌شان در نظر گرفت ولی رمان من این ظرفیت را نداشت که بخواهم بیش از اینها به شخصیت‌های فرعی توجه کنم.

البته به نظر می‌رسد شخصیت فریده با به پای شخصیت اصلی در داستان دارد راه می‌رود و شما هم در بخش‌هایی تمهیدی آورده‌اید که نامه او هم بخشی از روایت را به عهده داشته باشد. نمی‌شد داستان به صورت چند راوی نوشته شود که نیازی به چنین تمهیدی نباشد؟

چون از ابتدا شخصیت اصلی برایم راوی رمان یعنی «فرحان» بود و موظف بودم مسائل و مشکلات و ضعف‌هایی را که او دارد در طول داستان جلوبرم و رفع و رجوع کنم، مجالی نبود که به شخصیت‌های دیگر هم بپردازم. البته این مساله به ذهنم خطور کرد ولی دیدم که امکان آن در داستان فراهم نیست.

فضای یک خانواده روحانی که به نظر می‌رسد روحانی روشنفکری هم هست و محیط حوزه‌های علمیه و زندگی علما در داستان به خوبی درآمده است، چقدر با این فضا از قبل آشنایی داشتید؟ من خودم طلبه هستم و در حوزه‌های علمیه، تدریس هم می‌کنم و از این نظر با فضای زندگی روحانیت هم آشنایی داشتم. این‌که از آن با عنوان روشنفکری یاد می‌کنید شاید به این دلیل باشد که عموم مردم با فضای درونی و اندرونی زندگی روحانیت آشنا نیستند و کسانی که از بیرون نگاه می‌کنند، فکر می‌کنند فضای زندگی روحانیون، خشک، بی‌روح و بسته است اما چیزی که من خودم شاهد بودم و شنیده‌هایم از زندگی علمای بزرگ، این بوده که چنین چیزی درست نیست. البته خود بحث روشنفکری هم معنایهای مختلفی دارد و حس می‌کنم آنچه شما به عنوان روشنفکری به کار برید، به معنای خاصش نیست.

فضایی که مخاطبان بیشتر در ذهن‌شان است، روحانیت سنت‌گراتری است که تصور عموم جامعه از

آنها چیزی نیست که در زندگی قهرمانان رمان شما دیده می‌شود.

سر همین کلمه سنت هم که به کار می‌برید، می‌شود خیلی بحث کرد. آیا منظور از سنت عرف است یا سنت دین؟ چون اینها خیلی با هم متفاوت است. به نظرم اینجا عرف بیشتر مطرح است، این‌که عرف درباره روحانیت چگونه فکر می‌کند و گاهی احساس می‌شود برخی از روحانیان هم سعی می‌کند خودشان را با همین عرف تطبیق بدهند در حالی‌که روحانیت باید خودش را با دین تطبیق دهد. تلاش من این بود که داستان خود را بنویسم و این گونه نبود که پیام‌هایی در دست داشته باشم که می‌خواهم آنها را به هر طریق وارد داستان کنم و چهره خاصی از روحانیت نشان دهم یا از آنان دفاعی کنم. اصلاحچین تصمیمی نداشتم ولی این فضا خود به خود به دلیل شناخت خودم از فضای زندگی روحانیون و بیشتر از آن، شناختم از فضای زندگی ام(ع) در داستان جریان پیدا می‌کرد.

اگر بخواهم به یک نمونه در روشن شدن بحث اشاره کنم این‌که معمولاً مخاطب عادت ندارد شخصیتی روحانی به نام حمید ببیند که برای تبلیغ رفته و عاشق شده و سال‌ها هم به دنبال این عشق است. منظوری این بود.

حتی آن عشق هم یک عشق چارچوب‌دار است و

برش

ایده «غمسوزی» از کجا آمد؟

اگر بخواهم به عقب برگردم و بگویم که کتاب «غمسوزی» از کجا شروع شد باید بگویم داستان کوتاهی نوشته بودم که قهرمان آن پسری بود که درباره برخی اوصاف خداوند مانند مهرپایی او، دچار شک و تردید شده بود. این داستان کوتاه، داستان موقفی بود و در یک جشنواره هم جایزه آورد ولی فکر می‌کردم این داستان، ظرفیت کار بیشتری دارد. احساس می‌کردم حق آن ایده ادا نشده است. کم‌کم دیدم مسائل شخصیت‌ها بیشتر شده و اساساً تعداد شخصیت‌ها نیز دارند بیشتر می‌شوند. تا این‌که در سال ۹۶ مدرسه داستان شهرستان ادب فراخوان سوم خود را داد. در فراخوان درخواست داده شده بود که طرح بفروستیم. طرح داستان در ذهن من شکل گرفته بود و فصل اول و دوم رمان را هم نوشته بودم. من طرح را فرستادم و پذیرفته شد و در مرحله بعدی فصل اول رمان را برای‌شان فرستادم و آن هم مورد پذیرش قرار گرفت و فرآیند نگارشش شروع شد. استاد من در مدرسه رمان، آقای محمد حسن شهسواری بود که هم در کلاس‌هایی که برگزار می‌کردند و هم در راهنمایی‌های‌شان که در حین نگارش رمان برایم مفید بود. به این ترتیب کتاب کم‌کم نوشته شد. من خیلی بیشتر کتاب را تحویل داده بودم اما فرآیند انتشار کتاب تا سال گذشته طول کشید و کتاب منتشر شد.

اتفاقی نمی‌افتد که ما بتوانیم مع آن شخصیت را بگیریم و بگوییم: «چی شد؟ تو که روحانی بودی!» البته این را هم بگویم که شخصیت داستان هیچ وقت آدم مقدسی نیست و من هم ادعا ندارم این شخصیت کاملایی عیب و ایراد است.

به نظر می‌آید شخصیت‌های داستان، فقط در متن زندگی می‌کنند. مانند برخی فیلم‌ها که شخصیت‌ها در بهترین جا، بهترین دیالوگ را می‌گویند، شخصیت‌های داستان شما هم با شعر، آیه، قرآن، تلمیح به داستان و فیلم ... حرف می‌زنند و این دیالوگ‌های خوب، فکر شده و بجا، واقع‌گرایی شخصیت‌ها را زیر سوال برده است. آیا این ایراد را قبول دارید؟

البته این نظر لطف شماست که همه دیالوگ‌های داستان مرا فکر شده و بجا می‌دانید ولی این جنبه نقادانه کلام شما برمی‌گردد به طبقه‌ای که این شخصیت‌ها از آن می‌آید. فرحان هم در دوره‌ای که با پدرش زندگی می‌کرده، پدرش از روحانیون فاضل و موفق‌ی بوده که در نجف درس می‌خوانده و در دوره بعد هم در مشهد همتشین آقا می‌شود که از علمای مطرح مشهد به‌شمار می‌رود. و مادر او گرچه زنی عامی است، اما اولاً با همسرش که یک روحانی بوده زندگی کرده و ثانیاً متعلق به جامعه عرب کشور است



(تخفیف) خرید کتاب تعلق می‌گیرد. فرزندان زیر ۱۸ سال نیز می‌توانند از این یارانه بهره‌مند شوند. این یارانه به کسانی که پیش از این در سامانه «بازار کتاب» همه یا بخشی از یارانه سال جاری خود را مصرف کرده‌اند نیز تعلق می‌گیرد. خریداران برای خرید حضوری یا غیرحضوری لازم است در سامانه «بازار کتاب» به نشانی bazarketab.ir ثبت‌نام و پنل کاربری ایجاد کنند. / جام جم

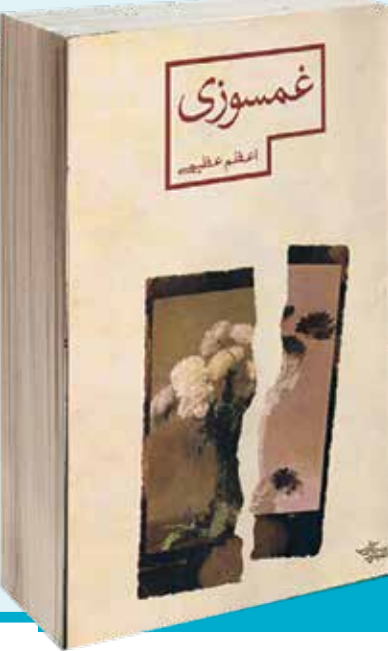


و می‌دانید که عرب‌ها مردمان فصیحی هستند. تعدمی در این نداشته‌ام که دیالوگ‌ها تراش بدهم اما شناختی که از شخصیت‌ها در ذهن داشته‌ام، خود به خود این گونه حرف زدن را باعث می‌شد. فکر می‌کنم میان فضای تربیتی شخصیت‌ها و حرف زدن‌شان تطابق وجود دارد.

داستان این ظرفیت را داشت که به داستانی درباره داعش و مقاومت تبدیل شود و شاید این گونه برای برخی مخاطبان و جشنواره‌ها جذاب‌تر می‌شد. چرا خودتان از این فضا دوری کرده‌اید و بحث داعش در داستان حتی در ماجرای حمله تئوریستی در اهواز که در بخشی از رمان به آن اشاره مستقیمی شده، خیلی پررنگ نشده است؟

مساله اصلی فرحان به عنوان محور داستان، داعش نیست و از اول داستان می‌بینیم که او سوالات خاص و چالش‌هایی با درون و بیرون خود دارد و من به‌عنوان نویسنده موظف بودم آن مساله‌ها را حل کنم و این وسط مساله داعش که می‌آید، از آن به عنوان راهی برای نشان دادن فرار فرحان از مشکلات زندگی خودش استفاده کرده‌ام. من اصلاً بنا‌ی وارد شدن به داستانی در زانر جنگی نداشتم و اگر قرار بود این کار را انجام دهم، اصلاً زانر داستان عوض می‌شد و من هم دلیلی برای این کار نداشتم.

غمسوزی در جایزه جلال برگزیده شده است، آیا فکر می‌کردید تا این سطح بالا بیایید و به نظر تان این جایزه، چه تأثیری در دیده شدن کتاب دارد؟ داستان خودم را دوست داشتم و برایش زحمت کشیده بودم. با قوت و ظرفیت‌هایش آشنا بودم اما این به این معنا نیست که بگویم خیلی در قله است. اگر بخواهم چنین فکر کنم که شروع جوانمردی در نویسندگی است که گاهی از آن درباره برخی نویسندگان صحبت می‌شود. مسئولیت‌هایم در این حوزه ادامه دارد. البته پیش‌بینی‌ای درباره برگزیده شدن نداشتم چون کسی می‌تواند چنین برآوردی داشته باشد که همه کتاب‌های داستانی سال ۱۴۰۱ را خوانده باشد تا بتواند قضاوت کند. درباره تأثیر جایزه جلال، باید بگویم که به هر حال تأثیرگذار است اما خود کتاب و قوت آن هم مهم است و این‌که وقتی مخاطب سراغ اثر می‌رود، چه قضاوتی درباره آن داشته باشد، در این زمینه اهمیت دارد.



ادبیات

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲ ۶۶۹۴ شماره

یادداشت

انسیه موسویان | شاعر



جشنواره شعر فجر و غفلت از رسانه‌های جدید

جشنواره شعر فجر این هفته با برگزاری مراسم پایانی و اهدای جوایز خود در بخش‌های شعر کلاسیک، شعر نو، شعر کودک و نوجوان، شعر محاوره و پژوهش درباره شعر به کار خود پایان می‌دهد. این جشنواره مهم‌ترین رویداد سالانه در حوزه شعر است و البته درباره چند و چون داوری‌های آن همیشه بحث بوده است. نکته مهم این است که این جشنواره، مبنای خود را بر کتاب‌های منتشرشده در هرسال قرار داده است. بر مبنای آیین‌نامه و فراخوانی که جشنواره هرسال منتشر می‌کند، معیار داوری آثار شعری برای این جشنواره، تنها کتاب‌هایی است که در سال گذشته در ایران و بر مبنای مجوز صادرشده از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده باشد. بر همین اساس نتایج داوری‌های جشنواره شعر فجر، به جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی هم تسری می‌یابد و کتابی که در این جشنواره، برگزیده یا شایسته تقدیر شناخته شود، کتاب برگزیده یا شایسته تقدیر کتاب سال در بخش شعر نیز محسوب می‌شود.

این معیار برای چندسال قبل، جوابگو بود اما به نظر می‌رسد باید آیین‌نامه جشنواره شعر فجر را تغییر داد تا بتواند پاسخگوی واقعیت‌های جاری و ساری در حوزه شعر امروز باشد. اگر این روزها از دست‌اندرکاران این حوزه، چه شاعران و چه ناشرانی که هنوز کتاب شعر منتشر می‌کنند بپرسید حال روز کتاب‌های شعر بسیار خراب است و می‌توان مدعی شد که تقریباً هیچ ناشری به‌راحتی سال‌های گذشته کتاب شعر منتشر نمی‌کند. دلیل این امر آن است که عملاً فروش کتاب‌های شعر در حدی که سرمایه‌گذاری ناشر را پاسخگو باشد، نیست بیشتر ناشرانی که در این حوزه (البته جز شعر کودک و نوجوان) کتاب منتشر می‌کنند، بیش‌ایش مبلغ سنگینی برای انتشار کتاب از مؤلف دریافت می‌نمایند.

این واقعیت البته به این معنا نیست که مردم ایران یا فارسی‌زبانان سراسر جهان دیگر شعر نمی‌خوانند یا با شعر قهر کرده‌اند، عشق و علاقه مردم به شعر همچنان در جان‌شان زبانه می‌کشد ولی مسأله اینجاست که رسانه‌ای که شعر را به مردم منتقل می‌کند، دیگر کتاب نیست. بیشتر دوستداران شعر، ترجیح می‌دهند از طریق رسانه‌های دیگری که این روزها در دسترس بیشتری است و هزینه کمتری هم دارد، شعر بخوانند. اگر به انواع رسانه‌های جدید توجه کنید، در همه آنها شعر همچنان حضور روشنی دارد. در شبکه‌های اجتماعی، صفحات و کانال‌هایی که فقط به شعر اختصاص دارد، بسیار است. این صفحات سعی می‌کند با استفاده از ظرفیت‌هایی مانند گرافیک، صوت، تصویر و موسیقی به شعر ارزش افزودهای هم اضافه کند. همچنین یادکست‌های زیادی در فضای مجازی به شعر اختصاص دارد و در آنها می‌توانید از شعر ایران و جهان، گزیده‌هایی ارزشمند و شنیدنی به دست بیاورید. گسترش استفاده از تلفن‌های همراه و افزایش قدرت، سرعت و ظرفیت این وسایل الکترونیکی هم به مدد دوستداران شعر آمده و فاصله میان تولید و انتشار شعر چنان کوتاه شده که دیگر شاعر و مخاطبش برای بهره بردن از تازه‌های شعر نیازی به ماه‌ها معطلی در پیچ و خم‌های صنعت نشر ندارد. به خصوص این‌که وضعیت کاغذ و دیگر اقلام ضروری برای نشر باعث شده است حتی کتاب‌هایی هم که با سرمایه‌گذاری مستقیم خود شاعر منتشر می‌شود، با تأخیر زمانی زیاد به دست مخاطب می‌رسد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد جشنواره شعر فجر باید از محوریت کتاب‌های شعر خارج و به صوتی اصولی و برنامه‌ریزی‌شده، رسانه‌های جدید را هم مورد توجه قرار بدهد. شاید از این طریق، رسانه‌های جدید فعال در عرصه شعر هم برای ثبت و دریافت مجوز که سیاست ارشاد است، ترغیب شوند.

قاب



شاعران بر کرانه خلیج فارس

بوشر یکی از شهرهای مهم و خاستگاه‌های شعر مدزن در ایران است. در ادامه برنامه‌های محافل هجدهمین جشنواره شعر فجر، گروهی از شاعران به بوشر سفر کردند تا در کنار شاعران این شهر، یکی دیگر از رویدادهای مرتبط با جشنواره را رقم زنند. در این تصویر که خانه کتاب از این مراسم منتشر کرده علی هوشمند، شاعر بوشری در حال امضای پوستر این رویداد، دیده می‌شود.

روایتی از تأسیس ناتسخیر ساواک یزد

کتاب «درباره یک تسخیر»؛ روایتی از ساواک یزد در خاطرات شفاعی، به قلم محمدهادی شمس‌الدینی در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسید. این کتاب، ماجرای ساواک در یزد از تأسیس در سال ۱۳۴۸ تا تسخیر در سال ۱۳۵۷ را روایت می‌کند که جزو رویدادهای مهم و تأثیرگذار در روند پیشبرد انقلاب اسلامی دراستان یزد محسوب می‌شود. مراحل تحقیق و مطالعه اولیه درباره یک تسخیر به پیشنهاد حوزه هنری استان یزد از سال ۱۳۹۶ آغاز شد و نزدیک به ۲۰ جلسه با افرادی که به نوعی با سازمان اطلاعات و امنیت یزد سروکار داشتند و آخرین روزهای عمر این سازمان را به چشم خود دیدند، مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه‌های این کتاب که بیش از ۲۰ ساعت به طول انجامیده است، طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در محل اشتغال یا دفتر کار راویان ضبط شده است.

در تدوین کتاب سعی شده نزدیک‌ترین اسناد موجود به هر روایت ارائه شود تا خوانندگان هرچه بهتر در فضای روایت هافزار بگیرند.

کتاب از ۹ روایت به زبان ۹ راوی نوشته شده و در ادامه سخن پایانی، تصاویر راویان، اسناد و مدارک، نقشه‌ها و نمایه‌ها گنجانده شده است / جام جم

روی قفسه



مردم هنوز دوست دارند به نمایشگاه کتاب بروند

یاسر احمدوند، معاون وزیر ارشاد در نخستین جلسه شورای سیاست‌گذاری سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: این نمایشگاه از حیث وسعت، تعداد بازدیدکنندگان و ناشران حاضر در بین نمایشگاه‌های کتاب بین‌المللی از جمله نمایشگاه‌های بزر است و

در رتبه بالایی قرار دارد. طی سال‌های گذشته همواره این نمایشگاه رشد داشته و رو به پیشرفت بوده است. در آخرین دوره که اردیبهشت‌ماه امسال برگزار شد، اتفاقات مبارکی رخ داد و شاهد حضور خوب ناشران داخلی، خارجی و بین‌المللی بودیم. همچنین مردم از نمایشگاه استقبال خوبی داشتند و بازدیدهای میلیونی صورت گرفت و قریب ۵۰۰ برنامه فرهنگی در نمایشگاه امسال طی ۱۱ روز اجرا شد. وی افزود: در دوره پیشین رویکرد این بود که نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران فرهنگی‌تر از قبل باشد. به این معنا که اقشار بیشتری از مردم به آن مراجعه‌کنند و از آن استفاده فرهنگی ببرند. به همین دلیل بخش مجازی و فیزیکی باهم برگزار اما فروش فیزیکی نمایشگاه سه برابر بخش مجازی بود و این نشان می‌دهد مردم به حضور در نمایشگاه کتاب علاقه‌مند هستند. /ایبنا